

سفر

سفر خوش است اگر از سفر بیائی باز
 سفر که سر جدائی هند چه دوار است
 برای من که جدائی کشیده ام همه عمر
 ز نو جدائی باران غم گرانبار است
 ندانم این چه گرفتاری دل آزاری است
 هر که دل پیام جدائوم از او
 همیشه در دل من آرزوی دیدار است
 شود که مزر نماید دگر بروی زمین
 پرند و بار پد سو سفر کند انسان
 سفر نشانه دیدار من نو باشد
 که نرده های خوشی آرد برای منتظران
 تو ای صافر محبوب سرزمین بهار
 برو برو که رهت جاودانه روشن باد
 بدان امید که دیدار در وطن باشد
 امید وصل تو پیوسته در دل من باد

× × ×

ترانه

شماره ۱۳۴۹